لوای شفاعت

پیش از این به اختصار در ذیل فقره "**و ان اعمل صالحا ترضاه**" گفته بودم که ما به اعمال ناقص خود مستحق بهشت نبوده و مورد رضایت خداوند نیستیم و تنها راه نجاتمان، سوختن در مصیبات سید الشهدا علیه السلام و تعلق پیدا کردن به آن حضرت است، تا به فضل عمل صالح ایشان ما نیز مورد شفاعت قرار بگیریم، چنانکه روایت شده در روز قیامت، امت مرحومه در هزار صف می ایستند و نهصد و نود و نه صف آن را سید الشهدا صلوات الله علیه شفاعت میکند و یک صف باقی مانده را امام حسین علیه السلام به شراکت باقی ائمه علیهم السلام شفاعت میکنند، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت حسینی لوای شفاعت را برداشته است.

و این هزار صف کسانی هستند که به خلوص، راهی به سید الشهدا علیه السلام باز کرده اند، یکی گریه کرده، یکی گریانده، یکی مرثیه سرایی کرده، یکی در مجلس عزایش خدمتی نموده و خلاصه هر کدام به سببی مرتبط با آن حضرت شده و مورد شفاعت قرار گرفته اند.

این حد از شفاعت برایتان سنگین نباشد، از شما میپرسم که فرض کنید پسری را ده سال پیش از دست داده اید، و بعد از این مدت نگاه میکنید که بعضی از مردم دور هم می نشینند و ذکر فضایل فرزندتان را میکنند و برای فقدانش گریه و زاری مینمایند. آیا شما به آنها محبت پیدا نمیکنید؟ آیا راضی میشوید که کسی به ایشان آسیبی برساند، مخصوصا هنگامی که توان دفع آن را هم داشته باشید؟

حالا پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها اینچنین به ما مینگرند که پس از هزار و چهار صد سال خیمه ها برپا میکنیم و ذکر مصیبت فرزندشان را کرده و بر سر و سینه میزنیم. حال کسانی که مظهر رحمت الهی هستند آیا ممکن است که بر ما محبت نکرده و

ترحم نکنند؟ و از خطاهایی که به اقتضای نقصان ما سر زده درنگذرند؟ یقیناً کسانی که قسیم جنت و نارند و بر ما محبت پیدا کرده اند، هرگز دلشان راضی نمی‌شود که دل سوخته های در مصیبات فرزندشان به جهنم رفته و بسوزند.

حال اگر بخواهیم بدانیم که در دل ائمه علیهم السلام چه جایگاهی داریم و چه محبتی به ما دارند، میزانی موجود است، چنانکه شخصی به امام علیه السلام عرض کرد که می‌خواهم بدانم در نزد شما و در دل شما چطورم؟ حضرت چنین فرمود که **إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَكَ عِنْدِي فَانْظُرْ إِلَى مَا لِي عِنْدَكَ** یعنی هر طور من در نزد تو و دل تو هستم تو هم نزد من همانطوری.

و ایشان در نزد ما باید چنان باشند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود **لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ عِتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِتْرَتِهِ** الی آخر، یعنی بنده ای مومن نمی‌شود تا اینکه مرا از خودش دوست‌تر بدارد و اهل بیت مرا از اهل بیت خود دوست‌تر بدارد و عترت مرا از عترت خود بیشتر دوست داشته باشد.

پس اگر چنین محبتی دارید که ایشان را از خود بیشتر دوست میداریم، طبق حدیث قبل بدانید که ایشان هم ما را از خودشان و اهل بیت خودشان بیشتر دوست دارند و اگر چنین نبود اباعبدالله علیه السلام خود و اهل بیتش را برای نجات شیعیانش فدا نمیکرد.

از این جهت بود که امام حسین علیه السلام هرجور بلایی را بر خود خرید تا کسی از تحت ظل مرحمت ایشان جا نماند، چرا که انسان ها طبایع گوناگون داشته و هر کسی از هر مصیبتی دلش به درد نمی آید و اشکش جاری نمیشود، بلکه برای هر کسی مصیبات خاصی است که برایش عظم داشته و بر قلبش تأثیر میگذارد.

لذا برای کسانی که به مصیبت دیدن طفل شیرخوار قلبشان میشکند، علی اصغرش را داد، و برای کسانی که بر مصیبت جوان رشید، مهموم میشوند علی اکبر و قاسمش را داد و برای کسانی که محبت دوستان و احباب را دارند، انصارش را داد و برای کسی که از کشته شدن بزرگی و سید و آقایی مغموم میشوند، خود را به دردناک ترین نوع سر بریدن که از قفا باشد فدا نمود و برای کسی که قلبش به این چیز ها نمیشکند اما غیرتمند و ناموس پرست است، اسارت اهل بیتش را قبول نمود و سر بی چادر اهل بیتش و ورود به مجالس و محافل دشمن و گرداندن در بازارها و شماتت اهل کوفه و شام و مطالبه دخترش به کنیزی را تحمل کرد و بر سر نیزه شاهد همه بود و برای کسانی که با دیدن اجساد عریان در آفتاب افتاده رقت میکند یا با تاختن اسب بر بدن ها دگرگون میشود، مصیبت و بی احترامی بر اجساد را نیز پذیرفت، حتی به فکر کسانی بود که به تصور این مصیبات متذکر نمیشوند اما درک تشنگی را میکنند و تاحدی تجربه نموده اند، مخصوصا برای اطفال و زنان.

به هر حال انواع مصیبات را برای تمامی طبایع و انواع قلوب به جان خرید، تا مبادا کسی که اندک محبت مکنونه ای در دل دارد، از قلم بی افتد و مورد محبت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار نگیرد.

و از ما نیز تنها همین را خواسته اند که خود را در معرض شفاعت ایشان قرار دهیم و به ندای **هل من**

ناصر ینصرنی پاسخ دهیم. و معلوم است که غرض آن حضرت از آن ندا در آن عرصه این نبود که شیعه ای از آن اطراف رد بشود و صدای اباعبدالله علیه السلام را بشنود و نیازی هم به کمک دیگری نداشتند و اگر میخواستند به اشاره ای دفع اعدا مینمودند.

بلکه یکی از اغراض آن حضرت از ندای هل من ناصر همین بود که به من در شفاعت خودتان کمک کنید و با شرکت در مجالس عزا و ذکر مصیبات من خود را در معرض شفاعتم قرار دهید.

حال که دانستیم ائمه علیهم السلام برای بخشش گناهان ما چه کردند و به چه محنت هایی مبتلا شدند، بایست هنگام معاصی متذکر این امر باشیم که با اعمال و اقوال و افکار ناشایست بر شرمندگی هایمان نیافزاییم و با اجتناب از معاصی نیز ندای هل من ناصر را لبیک بگوییم و متذکر باشیم که چگونه با این اعمال سبب ننگ ایشان میشویم و ایشان چقدر کریمند و اگر بخواهیم از کرامت ایشان سوء استفاده کرده و بر ارتکاب معاصی عمد و اصرار پیدا کنیم، خبر از کذب ما در ادعای دوستی ایشان دارد چرا که دوستان میگوید:

ای تشنه‌لب شهید بی غسل و کفن

سر داده برای دوستان بر دشمن

ای کاش نمی‌شدی تو آن روز شهید

ما را همه می‌بود به دوزخ مسکن